

لاله فرزین فر

کارشناس ارشد تاریخ
از دانشگاه شهید بهشتی

ساختار اجتماعی و حیات اقتصادی آسیای مرکزی در عصر باستان

چکیده

سرزمین گسترده‌ی آسیای مرکزی دارای ویژگی‌های خاص جغرافیایی است که باعث بروز نوع خاصی از معیشت در کنار ساکنان آن شده است. از مجموع متون کلاسیک چنین بر می‌آید که فلات‌ها و کوه‌پایه‌های آسیای مرکزی در سده‌های باستان، مامن کوچ‌روهایی بوده که از طریق پرورش احشام و کشاورزی، روزگار می‌گذرانند. فلات‌های وسیع این ناحیه همواره به سبب نقش کوچ‌روهای باستانی در پرورش احشام و هم‌چنین تأثیری که در مقاطع مهمی از تاریخ جهان داشته‌اند. مورد توجه بوده است. علاوه بر این که شباهت تأمین معاش و روش زندگی اقوام منطقه و نیز مشترکات زیادی که در فرهنگ عادی دارند، مطالعه به روی آنان را به موضوعی بحث‌انگیز میان پژوهشگران تبدیل کرده است.

کلیدواژگان: آسیای مرکزی، کوچ‌روهای باستانی

حدود

از گذشته‌های بسیار دوره، گستره وسیع میان دریای خزر تا فلات مرتفع مغولستان که بخشی از خشکی بزرگ اوراسیا^۱ است یکی از مناطقی بوده که جوامع انسانی در آن تردد می‌کرده‌اند. مقاطع مهمی از تاریخ عهد باستان و بخصوص قرون وسطی به وسیله مردمی برخاسته از نواحی استپی، صحرائی، واحه‌ای و کوهستانی این حدود شکل گرفته است. این مردمان اقوام مختلفی بودند و در منابع با نامهای گوناگون از آنها یاد شده همچون سیمریها^۲ که هومر از آنها در اودیسه نام برده، سیتها^۳ که توسط هرودت توصیف شده‌اند. هیونگ نو یا هپسونگ نو^۴ که تاخت و تاز آنها سبب بنای دیوار چین گردید، ترکهای قرن ششم که مرزهای امپراطوری خود را تا بیزانس کشیدند، خیتانهای^۵ که نام

خود را به ختای^۶ باستانی دادند تا مغولانی که به رهبری چنگیز خان بخش عظیمی از آسیا را در نوردیدند.

جریان قبض و بسط حرکت‌های جمعی در طی اعصار متمادی، مانع از آن است که بتوان آسیای مرکزی را به عنوان منطقه‌ای بخصوص از سایر مناطق جدا کرد. در نوزدهمین نشست یونسکو در سال ۱۹۷۸ با هدف تعیین حدود آسیای مرکزی برای مطالعه بر روی تمدن‌های این منطقه^۷ چنین نتیجه گرفته شد که مطالعه آسیای مرکزی باید در برگیرنده تمدن‌های افغانستان، شمال شرقی ایران، پاکستان، شمال هند، چین غربی، مغولستان، و جمهوری‌های آسیای مرکزی (شوروی سابق) باشد. استفاده از اصطلاح «آسیای مرکزی» به گونه‌ای به کار برده شده در این تاریخ برای اطلاق به مناطقی است که در چهارچوب یک واقعیت تاریخی و فرهنگی آشکار قرار گرفته‌اند.^۸ در واقع منظور از آسیای مرکزی یک تصویر فرهنگی است که طی تاریخ طولانی تمدن‌های این منطقه ظاهر شده و نباید آن را با منطقه‌ای دارای مرزهای معین و محدود چه در گذشته و چه در حال ارتباط دارد.

موقعیت جغرافیایی

سرزمین گسترده آسیای مرکزی، از زمین‌های وسیع استپی، بیابانی و نیمه بیابانی با مراتع فصلی مرغوب تشکیل شده و برای زندگی کوچ روهای دامدار موهبتی طبیعی است، ویژگی جغرافیایی این منطقه فلاتهایی است که در مرکز پست و پیرامون آنها با کوهستانهای بلند محصور است. کوهپایه‌ها در منتهای شیبهای خود به دتها و رودها منتهی می‌شوند و این‌ها نیز به سوی کرانه رود سرازیر می‌شوند و کوههای تاجیکستان امروزی در شمال. از رشته کوه علانی سه رود سرچشمه می‌گیرد که دره‌های تنگ و حاصلخیز سرخ دریاو کافرنیگان و ووخش را سیراب می‌کنند. این آخرین دره طولانی ترین آنهاست که از فلات علانی سرچشمه می‌گیرد و راهی بازرگانی به موازات آن به ترکستان چین می‌رود، همچنین دارای چراگاهی بسیار طولانی برای گله‌ها و اسبهای بیابانگردان است در آمیختگی بزرگ کوههای پایر بایخهای فراوان آن آب سه رود بزرگ سند در جنوب، سردریا و

آمودریا در غرب را فراهم می‌کند و نیز بسیاری جویبارها که به سوی شرق و به ترکستان چین روان است.^۹ در عین حال بخش وسیعی از این سرزمین‌های بیابانی و خشک است. در مجموع آسیای مرکزی سرزمینی است با تضادهای چشمگیر و بخش عمده از این سرزمین را کوهستانهای بلند، صحراهای کم جمعیت و حوضه‌های متعدد و رودخانه یا زمین‌های رسوبی حاصلخیز فرا گرفته‌اند.

مردم شناسی

بر اساس مدارک باستانشناسی، انسانهای نخستین از دوران پارینه سنگی در آسیای مرکزی به ظهور می‌رسند و منطقه از نظر اجتماعی به وسیله گروه‌های متراکم شکارگر اسکان یافته می‌شود.^{۱۰} از آن زمان این ناحیه هیچگاه خالی از سکنه نبوده است. در فاصله قرنهای هفتم تا سوم پیش از میلاد این گستره به وسیله شمار کثیری از قبایل مسکونی شد که دشتهای حاصلخیز جیحون را تا پیش از رسیدن خویشاوندان آریایی خود در اختیار داشتند. این قبایل در متون ایرانی (از اوستا تا شاهنامه) تورانی خطاب شده‌اند.^{۱۱} در منابع کهن آشوری باعنوان سکاها شناخته شده^{۱۲} و در منابع کلاسیک یونانی نام سیت یا اسکیت دارند.^{۱۳}

این طبقه‌بندی وسیع به خاطر شباهت فرهنگ و روش زندگی اقوام ساکن این منطقه است که اگر چه گروه‌های خونی و طرز تکلم متفاوت بودند، اما در نحوه زیست شیوه همسانی داشتند. اگر چه نحوه توزیع این قبائل به علت کمبود منابع مکتوب هنوز بحث انگیز است، اما حیات سیاسی و اقتصادی، شیوه‌های زندگی، تأمین معاش و ابزار دفاع اقوام سراسر جاده ابریشم شباهت قابل توجهی با هم داشته^{۱۴} و مشترکات زیادی در فرهنگ مادی دارند. با توجه به تشابهات فرهنگی می‌توان فهمید که چرا نویسندگان قدیم گاهی قبایل مختلف رابه یک رویداد تاریخی واحد ارتباط می‌دادند. به عنوان مثال در توصیف جنگ کوروش علیه کوچ روهای آسیای مرکزی، هرودوت می‌نویسد کوروش با ماساژتها چنگید، استرابوجنگ را با سکاها توصیف می‌کند، کونتیبوس کورتیبوس^{۱۵}

می‌نویسد کوروش با آبیها^{۱۶} جنگید و به نوشته کتزیاس، جنگ بادرپی سزها^{۱۷} بود و بر سوس^{۱۸} چنگ کوروش را با دها^{۱۹} توصیف می‌کند. قبایلی که گستره آسیای مرکزی می‌زیستند، انشعابات متعددی داشتند شعبه ای که در تاریخ ایران باستان بیشتر تأثیر گذار بوده‌اند، در امتداد جنوب، در مسیر آبهای آرال و خزر، ارتفاعات سلسله جبال پامیر و رشته کوههای پیوسته به آن می‌زیسته این انشعابات شامل ساختارهای کاملی از مردمانی بود که به گونه‌ای از زبان ایرانی تکلم می‌کردند و با گذشت مدتهای مدید از اسکان خویشان آنها را فلات ایران همچنان در شرایط کوچ روی بسر می‌بردند، تاریخ سراسر تلاش اقوام مزبور از قرن هفتم پیش از میلاد، مبذول یافتن راهی به سوی خویشاوندان خود در جنوب بوده است.

کوچ روهای باستانی در آسیای مرکزی

تاریخ مکتوب آسیای مرکزی با بحث هرودوت درباره سیت‌ها آغاز می‌شود هرودوت آنها را شبانهائی معرفی می‌کند که در نزاع با همسایگان خویش در زمان سلطنت کیاکساربه ماد مهاجرت کردند.^{۲۰} بحث هرودوت در کتاب چهارم، او گستره‌تر می‌شود. آنچه در مجموع از مطالب او و سایر متون کلاسیک به دست می‌آید این است که گسترده وسیع فلات‌ها و کوهپایه‌های آسیای مرکزی مامن کوچ رودهایی بوده که از طریق پرورش احشام و کشاورزی روزگار می‌گذرانند. فلاتهای وسیع آسیای مرکزی به سبب نقش کوچ روی باستانی و پرورش و اصلاح احشام اشتها داشته است.^{۲۱} قبایل کوچ رو با کشاورزان ساکن تماسهای نزدیکی داشته‌اند. در حقیقت تاریخ و جابه‌جایی این دو را نمی‌توان مجزا از یکدیگر دانست، زیرا هر یک بر دیگری تأثیر گذار بوده‌اند. دو طبقه شبان کوچ رووبرزگر مقیم، هر دو نفوذپذیر بوده‌اند کوچ روهها به طور ادواری مستقر شده، برزگر می‌شدند، در حالی که برزگران مقیم به کوچ روی باز می‌گشتند، این شیوه احتمالاً از هزاره سوم تا هزاره دوم پیش از میلاد به عنوان الگوی عملکرد استقرار در فلات ایران و آسیای مرکزی معمول بوده و به طور مستقیم بی‌ثباتی و نفوذ پذیری این دو اجتماع مردمی را

مشخص می‌کرده است. این دو الگوی متمایز معیشتی، شیوه یگانه‌ای را در یک تولید همبسته شکل می‌بخشیده است.^{۲۲} اما یافته‌های منفرد باستانشناسی وضع اقتصادی بازار یا سازمانهای مبادله‌ای یا هر گونه آگاهی مبنی بر وابستگی ضمنی این تمدن با دیگر فرهنگها را روشن نمی‌کند. فقط الگوهای در هم بافته حاکم بر اجتماعات کوچ روی زراعی را مشخص می‌نماید.^{۲۳}

در قرنهای هشتم و هفتم پیش از میلاد تقریباً به طور همزمان در تمامی استپهای آسیای مرکزی و جنوب روسیه انتقال به روش زندگی کوچ روی در میان قبائلی که رسوم فرهنگی مشابه داشته‌اند. روی داد. در اقتصاد کوچ روهای گاودار، رمه‌ها در مراتع مختلف به چرا برده می‌شوند، تعداد احشام افزایش می‌یافت و این باعث می‌شد قبایل بیشتری به زندگی کوچ روی، روی بیاورند. اسب اهمیت زیادی یافت. قبایلی که در سواحل رودخانه به سر می‌بردند به صید ماهی پرداختند و صنعتگران ماهر سلاح، زینت‌آلات، قالیهای نفیس و اشیاء دیگر تولید کردند. توسعه اقتصادی گاوداری تغییراتی اساسی رادر جامعه و اقتصاد ایجاد می‌کند، اما منابع معدود کتبی، به شناسایی روابط اجتماعی و اقتصادی میان کوچ روهای باستانی کمکی نمی‌کند. تنها اشاره برای وجود نوعی روش سیاسی برای اداره امور قبایل، ذکر نام شاهان سکایی ماساژاتی است که به عنوان رهبران اتحادیه کوچ رو معرفی شده‌اند. در فاصله قرنهای هشتم تا ششم پیش از میلاد شاهد پدید آمدن جامعه‌ای طبقاتی بین قبایل کوچ رو و جوامع اسکان یافته در واحه‌ها هستیم. این واقعیت که اتحادیه‌ها به تشکیل نیروی نظامی سازمان یافته دست زدند، دلایلی ارائه می‌کند که تصور کنیم اشرافیتی در مقابل صفوف اجتماعی کوچ روهای آزاد از قیود اجتماعی پدید آورده بود.^{۲۴} سازمان اجتماعی قبایل استپ بر اساس ساختار طایفه و قبیله بنا شده بود، این نظریه بر اساس روایات مورخین کلاسیک و یافته‌های باستان شناسی استنتاج می‌شود. درگور تپه‌های کشف شده در نوار استپی ناپدید می‌شود و امتیازات اجتماعی و مالکیت مورد توجه قرار می‌گیرد.^{۲۵}

منابع کلاسیک از وجود برده میان این جوامع و استفاده از نیروی کار بردگان در فعالیت‌های اقتصادی صحبت می‌کنند.^{۲۶} ولی کاملاً واضح است که نقش مهمی در تولید نداشته‌اند و بردگی هیچگاه میان کوچ روهای سکا - ماساژت نشان می‌دهند، چنانکه هرودوت می‌نویسد رهبری جنگ ماساژتها علیه کوروش با ملکه تومیریس^{۲۷} بوده است.^{۲۸} در سالهای اخیر، کاوشهای باستانی شناسی در آسیای مرکزی و شرق ایران مایه شناسایی پیوندهای اجتماعی، فرهنگی و بازرگانی در گسترده وسیعی شده است. ایران شرقی و آسیای مرکزی اینک همچون بخش جداگانه فرهنگی شناخته شده است و نه همچون ادامه ایران غربی. گذشته از این واحدهای فلات آسیای مرکزی با مراکز تمدن دره‌های سند، دجله و فرات پهلو می‌زنند، اگر چه این واحدها از لحاظ تولید و بسیاری نفوس با دشتهای کرانه رودها برابری نمی‌کند، اما نمی‌توان آنها را با آبادیهای مسکونی ابتدائی شمال اروپا سنجید.

یادداشت‌ها

- 1- Eurasia
- 2- Cimmerians
- 3- Scythians
- 4- Hiung – nu or Hsiung nu
- 5- Khitans
- 6- Cathay

۷- ماحصل این نشست چاپ مجموع مقالات شرکت کنندگان در کتاب سه جلدی
History of civitizations of central Asia, ed, janos Harmulta,
UNESCO, 1944.

۸- History of civilizations of cental Asia پیشگفتار فدریکومایو (fedrico
mayor)

۹- ر.ن.فرای، تاریخ باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا (علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰) ص
۳۰.

۱۰- درباره باستانشناسی آسیای و ماورای ارس گزارشهای سالانه کاوش
arkhelogycheskie otkritiya, cd by B.A rybakov (Moscow 1976)
نیز sovetskaya arkheologia مراجع ضروری هستند. بیشتر جمهوری‌ها، هر یک
دارای نشریه ویژه گزارشهای کاوشهای باستانشناسی در درون مرزهای خویش هستند.
به عنوان مثال Arkheologicheskie Roboty V Tadzhiqistane II (Dushanbe, 1975)
دیگر انتشارات ارزنده در زمینه جغرافیای آسیای مرکزی
عبارت است از مجموعه Vostochnaya kommissia geograficheskogo
strang I narody vostoka, vol 10 obshchestva, SSSR به نام
(Moscow 1975) که سراسر به پامیر پرداخته است و نیز materialy trudy
از materially I Khorezmshka shspeditisii آسیای مرکزی در مجموعه مقالات
issledovaniyo po arkhologii SSSR به نحو مطلوبی نمودار شده است.

۱۱- (تورا) نامی است که قبایل کوچ روی آسیای مرکزی در یکی از قدیمی‌ترین بخش‌های اوستا بدان نامیده شده‌اند. توراها دشمن ایرانیان یکجانشین و صاحبان اسبان بادپای توصیف شده‌اند. (اوستا پشت هشتم (در نیایش خدای آشی) بندهای ۵۶-۵۵) گایگر اظهار می‌کند که نام تورا (tura) بی آنکه اشاره به تقسیم بندی خاصی داشته باشد از سوی ایرانیان به مردمان ساکن در استپها اطلاق می‌شده است.

w. Geiger civilization of eastern Iranian in the ancient times, voll, London Henry frowde, amer comet, E, C, 1885, p 44.

برای اطلاع بیشتر درباره تورانیها نگاه کنید به:

j. Hottuh, central asia from the argacs to the cossak , Kraus thmson organization ITS nendln / leichtenstein, 1997 نادر بیات تورانیها از پگاه

تاریخ تا پذیرش اسلام (تابش، تهران، ۱۳۶۷)

A. Abetkoy and H Yusuov << Ancien Iranian nomads in western central asia >> History of civilization of central asia, vol II, p 23.

۱۲- مورخان یونانی کلیه مردمان ساکن در امتداد محدوده شمالی را با نام عمومی اسکیت‌ها سلتو (کلتو) اسکیت‌ها (celto scythias) خطاب می‌کردند، مورخان متأخر بین ایشان تمایزاتی گذارده‌اند. از جمله ساکنان دریای خزر بخشی سکائی و بخشی دیگر ماساژت نامیده شدند. تارن، کاربرد اصطلاح اسکیت را تنها برای بیابانگردان جنوب روسیه صحیح می‌داند.

13- ww. Tam. The greks in bactria and Cambridge. The university press, 1966. p 80.

برای اطلاع بیشتر درباره سیتها نگاه کنید به:

Strabo, the Geography of strabo, with an English translation by Horace Leonard Lones, cornell Univercity , Kondon, 1966, vol v, book XI, pp, 189, 245-7. Herodotus , the History a new translation by Aubrey De selen court, penguim books, 1945, Bookfour Hurrion op, cit, p 25.

Abetekov and yusupov, op , cit, History of civilization of central asia. P 23.

۱۴- اردشیر خدادایان، ساسانیان، به دید، تهران، ۱۳۸۱، ص ۳۱۷.

15- Quintus cutius

16- Abiae

17- Derbices

18- Bero ssus

19- Daha Ibid, p 24.

20- Herodotus, op cit, p 41.

21- Carl C. lamberh karalovsky << the Bronze age of Bactria>>
Bectria An Ancient Oasis civilization.

۲۲- هایده معیری، باختر به روایت تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۲.

۲۳- همانجا.

24- I Avbetecov and Yusuplov, op , cit, History of civilization of
central Asia, p 25-26.

25- Ibid

26- Ibid, p 28.

27- Tomyris

28- Herodorys, op, cit, Book one, p 28.

فهرست منابع

- ۱- خدادادیان، اردشیر، ساسانیان، بردید، تهران، ۱۳۸۱.
- ۲- فرای، ریچارد نلسون، تاریخ باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰.
- ۳- معیری، هایده، باختر به روایت تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷.
- 4- Geiger, w, civilization of Eastern Iranian in the ancient times, vol 1 land Henry frowde, amer corner , E , C 1885.
- 5- Herndotus, the history, a new translation by Aubrey de selencourt , penguin books, 1954.
- 6- History of civilization of central asia, ed, janos harmatta, UNESCO vol1 1944.
- 7- lamberg karlovsky, carl the boronze age of bactria bactria an ancient dasis from the sands of afganistan, ed Giancarlo ligabue asn salvalori Venice, italy , 1988.
- 8- tarn , w, w, the greeks in bactria and India, Cambridge the university press. 1966.